



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

مجازات‌های جایگزین حبس در تحقق اهداف حاکم بر مجازات‌ها

رحمان بن سعید^۱، مسعود حیدری^{۲*}، محمود مالمیر^۳

۱. دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۳. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کیفر یا همان مجازات، یکی از متداول‌ترین ابزارها و نموده‌های واکنش اجتماعی در قبال ارتکاب فعل مجرمانه بزه‌کار هستند. در حقوق جزای، مجازات‌ها توسط قانون‌گذاران جهت تأمین اهداف نظام عدالت کیفری انتخاب می‌شوند. در پژوهش حاضر هدف اصلی این است که مجازات‌های جایگزین حبس تا چه اندازه می‌توانند اهدافی که در طراحی مجازات‌ها دنبال می‌شوند را تحقق بخشند.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: سیاست جنایی سازمان ملل متحد و نظام‌های حقوقی پیشرفته معاصر، با الهام از دیدگاه‌های نوین جرم‌شناسی و کیفرشناسی و جامعه‌شناسی کیفری بر این اساس استوار می‌باشد که استفاده از زندان با چالش‌هایی روبروست، که یکی از این چالش‌ها، عدم تحقق اهداف حاکم بر مجازات‌ها در کیفر حبس می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: کیفر حبس دارای برخی ویژگی‌ها و اهدافی می‌باشد که مانع از ارتکاب جرم شده و در مقابل نیز از پیامدهایی برخوردار است که تأثیر منفی بر مجرم و جامعه می‌گذارد. با توجه به معایب کیفر حبس، بحث از مجازات‌های جایگزین مطرح می‌شود. حقوقدانان برای جایگزین‌های حبس به شرط اجرای صحیح، دقیق و اصولی، ویژگی‌هایی مثبتی قائل شدند که می‌تواند موجب کاهش جرم در جامعه شود؛ از جمله برآورده ساختن اهداف مجازات نظیر: اصلاح مجرم، به‌این معنی که با جامعه سازگار شده و به عنوان شهروندی متعهد در جامعه فعالیت کند. بازدارندگی، هم برای مجرم و هم برای افراد جامعه، مساعدت و سرپرستی وی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری، افزایش تعهد مجرم به جامعه، افزایش حضور وی در جامعه، مشارکت جامعه مدنی در اجرای مجازات و ویژگی‌هایی که پیامدهای منفی حبس را دارا نمی‌باشد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶

واژگان کلیدی:

مجازات‌های جایگزین

حبس

اهداف مجازات‌ها

حبس‌زدایی

* نویسنده مسؤؤل:

مسعود حیدری

آدرس پستی: ایران، اصفهان، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد پستی: ۳۹۹۹۸-۸۱۵۵۱

تلفن: ۰۲۶۰۴-۳۵۰۳۱

پست الکترونیک:

masoud_heidari2@yahoo.com

۱. مقدمه

هر جامعه دارای هنجارهایی است و هر انحرافی که هنجارهای جامعه را در معرض خطر تغییر و تبدیل قرار دهد، با واکنش اعضای آن جامعه مواجه خواهد شد. هنگامی که انحراف، عنوان جرم پیدا می‌کند، حاکمیت عمومی مکلف است با توسل به شیوه‌های مناسب، ضمن پیشگیری از تکرار جرم در آینده، قبح فعل مرتکب و لزوم احترام به مقررات و نظامات اجتماعی را به وی و سایر افراد جامعه متذکر شود. هشدار مقامات به حفظ نظم عمومی و واکنش در مقابل جرم، به شیوه‌های مختلفی انجام می‌پذیرد. حبس به عنوان یکی از واکنش‌ها، از قدیم‌الایام مورد توجه زمامداران بوده است.

مجازات‌ها یکی از متداول‌ترین ابزارها و نموده‌ای واکنش اجتماعی در قبال ارتکاب فعل مجرمانه بزهکار هستند. در حقوق جزای کلاسیک مجازات‌ها توسط قانون‌گذاران جهت تأمین اهداف نظام عدالت کیفری انتخاب می‌شوند. همچنین قضات نیز با تعیین مجازات‌ها به دنبال محقق کردن اهداف آنها هستند. باید به این نکته توجه کرد که اهداف مجازات‌ها در راستای اهداف نظام عدالت کیفری است. وجود تنوع در مجازات‌ها یکی از پیش‌نیازهای تحقق این اهداف است. قاضی اگر در تعیین نوع و میزان کیفر از محدوده انتخاب متنوع و قابل قبولی برخوردار باشد، قطعاً می‌تواند تحقق اهداف گوناگون مجازات‌ها را با دقت بیشتری مدنظر قرار دهد.

قانون‌گذار در تعیین مجازات، اهداف مختلفی را مدنظر دارد. اهداف مجازات‌ها را می‌توان در یک هدف عینی یعنی اصلاح و تربیت بزهکار و نتیجتاً پیشگیری از جرم به شکل خاص نسبت به مجرمان و شرکاء یا معاونان آنها و به شکل عام نسبت به جامعه و یک هدف ذهنی یعنی اجرای عدالت خلاصه کرد. بدیهی است عنوان کردن اهداف به دو وجه یاد شده نباید موجب محدود ساختن آنها شود و بخصوص نظم عمومی که به نظر بسیاری از اهداف عمده مجازات‌هاست فراموش گردد. هرچند عنوان نظم عمومی در زمره اهداف مجازات‌ها به نظر ما چندان صحیح نیست. از اهداف دیگر مجازات می‌توان به رضایت مجنی علیه، بازدارندگی و... اشاره نمود.

امروزه حبس تبدیل به یکی از انواع رایج مجازات‌ها شده است که در تمامی کشورها نسبت به جرائم متعددی اعمال می‌شود. اما با گذشت مدت زمانی طولانی از اعمال این مجازات بر روی کثیری از مجرمان، ثابت شده است که این شیوه دیگر مفید و مناسب نیست و باید از روش‌های دیگری استفاده نمود. پرسشی که در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که چه روش‌های دیگری را باید جانشین زندان کرد تا بتوانیم به اهداف مورد نظرمان از مجازات‌ها دست یابیم؟

امروزه در اکثر کشورها به دنبال روش‌هایی مناسب بر دستیابی به اهداف مجازات‌ها هستند و مطالعات بسیاری نیز در این زمینه در اکثر کشورها انجام گرفته و تجربیات زیادی حاصل شده است. بدین سبب بهتر است تا با بررسی مطالعات و استفاده از تجربیات آنها به اطلاعات مفیدی دست یابیم و به این ترتیب دیگر نیازی به طی مسیر پیش رفته شده توسط آنها نداشته باشیم و بتوانیم از منافع و آثار مثبت مجازات‌های جایگزین حبس نهایت استفاده را بنماییم. در حقوق ایران و در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بدون ذکر هیچ تعریفی از مجازات‌های جایگزین حبس اعلام داشته است: «مجازات‌های جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه جرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می‌شود.» همانگونه که اشاره شد دامنه مجازات‌های جایگزین گسترده‌تر از موارد اشاره شده در این ماده است و شیوه‌هایی که عموماً در گذشته نیز از آنها استفاده می‌شده اما کمتر به دیده جایگزین به آنها نگریسته می‌شده است نیز جزو این دسته قرار می‌گیرند از جمله آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و حتی مجازات‌های مالی. البته در رابطه با مجازات آزادی مشروط باید اعلام کرد که به جهت اینکه در قانون فدرال آمریکا، به موجب قانون اصلاح مجازات‌ها مصوب ۱۹۸۴ و اصلاحات بعدی آن موارد استفاده از این شیوه بسیار محدود گشته و تقریباً نسخ شده محسوب می‌گردد، عموماً هم مربوط

۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌ها

کیفر حبس دارای برخی ویژگی‌ها و اهدافی می‌باشد که مانع از ارتکاب جرم شده و در مقابل نیز از پیامدهایی برخوردار است که تأثیر منفی بر مجرم و جامعه می‌گذارد. با توجه به معایب کیفر حبس، بحث از مجازات‌های جایگزین مطرح می‌شود. حقوقدانان برای جایگزین‌های حبس به شرط اجرای صحیح، دقیق و اصولی، ویژگی‌هایی مثبتی قائل شدند که می‌تواند موجب کاهش جرم در جامعه شود؛ از جمله برآورده ساختن اهداف مجازات نظیر: اصلاح مجرم، به این معنی که با جامعه سازگار شده و به عنوان شهروندی متعهد در جامعه فعالیت کند. بازدارندگی، هم برای مجرم و هم برای افراد جامعه، مساعدت و سرپرستی وی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری، افزایش تعهد مجرم به جامعه، افزایش حضور وی در جامعه، مشارکت جامعه مدنی در اجرای مجازات و ویژگی‌هایی که پیامدهای منفی حبس را دارا نمی‌باشد. منظور از جایگزین حبس، نه تنها شامل مواردی که به عنوان کیفر مستقل مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد مثل خدمات عمومی، دوره مراقبتی، جریمه روزانه. بلکه شامل مواردی که زمینه اجتناب از اجرای مجازات حبس یا صدور آن را فراهم می‌کند مثل تعلیق اجرای مجازات و تبدیل مجازات هم می‌شود و مواردی که از ادامه اجرای مجازات حبس جلوگیری می‌کنند نظیر آزادی مشروط و میانجی‌گری در مرحله اجرای حکم می‌شود. بنابراین اعمال برنامه و جلوه‌های جایگزین نه تنها در مرحله صدور حکم بلکه در مرحله اجرای حکم نیز قابل تصور است. در حقوق ایران برابر ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین حبس عبارتند از، دوره مراقبت، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی، خدمات عمومی رایگان است. در کنار این مجازات‌ها،

به مجرمینی است که قبل از سال ۱۹۸۷ مرتکب جرم شدند به علاوه چند مورد محدود دیگر. پس بررسی و تطبیق آن در این تحقیق، با آنچه که در نظام حقوقی ما وجود دارد منطقی به نظر نمی‌رسد لذا از ذکر آن خودداری می‌شود. در ادامه تبصره ماده ۶۴، به لزوم سنخیت و تناسب بین حکم و جرم ارتكابی و شرایط آن اشاره نموده است. همچنین مواد ۶۵ و ۶۶ تکلیف مرتکبین جرائم عمدی را روشن می‌سازد که اگر مجازاتشان تا سه ماه حبس است حتماً و اگر حداکثر نود و یک روز تا شش ماه است در صورت نبودن در دسته مستثنی شده در ماده ۶۶، امکان بهره‌مندی از مجازات‌های جانشین را پیدا می‌کنند. این مرتکبین اگر مجازاتشان بیش از شش ماه تا یک سال حبس باشد تعیین مجازات جایگزین تخییری و با تصمیم دادگاه خواهد بود. در ماده ۶۸ نیز لزوماً مرتکبین جرائم غیرعمد را مستحق مجازات جایگزین دانسته‌اند مگر اینکه مجازات اصلیشان بیش از دو سال حبس باشد. مواد ۶۹ الی ۸۲ نیز سایر شرایط کلی اعمال این دسته از مجازات‌ها را بیان می‌کند و پس از آن تک‌تک از مجازات‌های جایگزین نام برده و خصوصیات هر یک را بیان می‌نماید.

فرضیه‌ای که در پاسخ به پرسش این تحقیق مورد بحث بررسی قرار خواهد گرفت این است که، اگرچه در حقوق کیفری ایران به ویژه قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ نیز شاهد تحولات جدی در زمینه مجازات‌های جایگزین حبس بوده‌ایم که در جای خود قابل بررسی است. نهادهای مانند نهاد نظارت الکترونیکی (سنتی و نوین) نظام آزادی مشروط-تعلیق تعقیب و اجرای مجازات، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی و قراردایی مانند ترک تعقیب در آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ و... این نهاد در باب اصول و قواعد حاکم بر مجازات با اتخاذ رویکرد کاهش جمعیت زندان، کاهش هزینه نگهداری مجرم و حفظ ارتباط اجتماعی آنان و حقوق بزهکار و جامعه که هم واجد جنبه کیفری و هم غیرکیفری است می‌باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

سزای هر عمل مجرمانه‌ای در شرع و قانون مشخص شده و باید عین مجازات تعیین شده، اعمال گردد و در عین حال نباید به شخصیت فرد مجرم بی‌حرمتی شود و یا شخص مجرم مورد اهانت و تحقیر قرار گیرد. بنیان این ادعا را باید در قانون احترام انسان جستجو کرد که در اصل کرامت، اصل عدم تلازم بین بدن و آبروی مجرم، و اصل اولویت احترام به مومن ریشه دارد. لازمه اثبات این ادعا، بررسی مدارک احترام به مجرم به عنوان یک قاعده در فقه و حقوق اسلامی است که نیازمند تبیین و تأمل است. با توجه به مبانی قرآنی و نیز آرا فقیهان و اندیشمندان مسلمان، ظرفیتی برای بحث کردن از احترام مجرم، به عنوان قانونی در فقه، اخلاق و حقوق وجود دارد. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن اثبات برخورداری انسان از اصل کرامت، دلایلی را بر این مسأله اقامه نموده و فلسفه مجازات را در راستای احترام به مجرم به عنوان یک قانون، مورد تبیین و بررسی قرار دهد (۲).

۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

همان‌طور که در قسمت پیشین مشاهده شد، برخی متغیرهای پژوهش حاضر، یعنی کرامت انسانی و مجازات‌های جایگزین حبس به صورت مستقل مورد توجه نویسندگان و پژوهش‌گران قرار گرفته است، اما در پژوهش حاضر هدف ما بررسی مجازات‌های جایگزین حبس و نقش آن‌ها در تحقق اهداف حاکم بر مجازات‌ها می‌باشد که در پژوهش‌های موجود، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

در هر نظام حقوقی، مبنایی نظام حقوقی هستند که اصول اساسی و رویکردهای اصلی را ایجاد می‌کنند. کرامت انسانی و احترام به شخصیت انسان، یکی از مبانی اساسی و بسیار مهم در هر نظام حقوقی و به طور خاص حوزه حقوق کیفری محسوب می‌شود. در مواجهه با موضوعات کیفری و به طور خاص، اجرای مجازات‌ها، اهمیت کرامت انسانی دوچندان می‌شود. این مبانی در واقع سنگ‌بنای اهداف مجازات‌ها نیز محسوب می‌شوند. با در نظر گرفتن این مسئله، لازم است که

می‌توان از نهادهایی مانند نظارت الکترونیکی، آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات و... سخن راند که هر یک به طریقی در کاهش جمعیت کیفری زندان مؤثر می‌باشند.

۵. بحث

۵-۱. پیشینه تحقیق

مقاله «مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی» نوشته اسماعیل رحیمی‌نژاد و محمدجعفر حبیب‌زاده که در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، مجازات‌های نامتناسب، مجازات‌هایی هستند که بدون توجه به معیارهای تناسب میان جرم و مجازات یعنی معیار صدمه وارده، اهمیت مطلق و نسبی جرایم، نوع جرم ارتكابی و خصوصیات شخصیتی مجرم و درجه و نوع تقصیر بزه‌دیده تعیین و یا اعمال می‌شوند. بنابراین، در نظر گرفتن اهداف کیفرشناختی یعنی تنبیه و اصلاح مجرم، پیشگیری عمومی و خصوصی و تأمین دفاع اجتماعی به عنوان بخشی از معیارهای تناسب با فلسفه وجودی اصل تناسب مغایر است. علت اصلی ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب در نظام بین‌المللی حقوق بشر و همچنین نظام‌های حقوقی داخلی، ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان و احترام به حیثیت و کرامت ذاتی اوست. در نظام حقوقی ایران اصل ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب در هیچ یک از قوانین موضوعه به صراحت پیش‌بینی نشده و مجازات‌های تعیین شده در بسیاری از قوانین کیفری با معیارهای اصلی تناسب هماهنگ نیستند. در این مقاله، معیارهای اصلی تناسب جرم و مجازات و جایگاه آن در نظام عدالت کیفری ایران، مفهوم مجازات‌های نامتناسب و مبانی فلسفی ممنوعیت این قبیل مجازات‌ها بررسی می‌شود (۱).

مقاله «بررسی مبانی نظری احترام به شخصیت انسانی مجرمان در طول مجازات» نوشته ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی و مهدی دهقان علیشاهی که در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، در اسلام، مجازات مرتکب جنایاتی مانند قتل، سرقت و خیانت در امانت، اموری مانند قصاص، قطع دست، حبس و یا شلاق است؛ ولی چنین مجازات‌هایی مجوزی برای توهین و تحقیر مجرم نیست؛ یعنی

به این موضوع پرداخته شود که آیا مجازات‌های جایگزین حبس و اعمال آن‌ها در تعارض با اهداف مجازات‌ها قرار دارند و به تعبیری مانع از رسیدن به عدالت کیفری می‌شوند.

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

با در نظر گرفتن متغیرهای پژوهش حاضر در ارتباط با محدودیت‌های تحقیق باید عنایت داشت که بررسی تفصیلی تمام مصادیق جایگزین‌های حبس در دایره موضوعات این پژوهش قرار ندارد بلکه موضوع اصلی امکان‌سنجی نیل به اهداف مجازات حبس از طریق مجازات‌های جایگزین حبس می‌باشد.

۵-۵. اهداف حاکم بر مجازات

در دوران ابتدایی هنجارمند کردن کیفر که بعد از دوره انتقام شخصی قرار داشت، عمده‌ترین دلیل مجازات ایجاد عدالت به طور کامل و تنبیه مجرم بود. اما پس از گذشت این دوره دلیل و هدف اصلی مجازات به جلوگیری از وقوع جرم و بازپروراندن مجرم برای اصلاح او و بازگشت به جامعه تغییر کرد (۳). برخی از هدف‌های اصلی کیفر از زاویه‌ی حقوق کیفری ذیلاً ذکر می‌گردد:

۵-۵-۱. بازدارندگی و سزادهی شخصی

یکی از مسائل مورد توجه حقوق کیفری سزادهی به مجرم برای التیام فرد زیان‌دیده از بزه می‌باشد که گذشته تا حالا بارها مورد توجه و بحث قرار گرفته است. واکنش جامعه نیز سبب می‌گشت تا این امر به مهم‌ترین هدف از اهداف کیفر مبدل گردد. این مقوله به حدی موثر بود که پاسخ جامعه به جرم به شکل انتقام‌های شخصی، مذهبی و سیاسی از زمان تشکیل نخستین سازمان اجتماعی تا آخرین سال‌های قرن هجده میلادی رخ می‌نمود (۴).

این گرایش موجب می‌شد که جامعه دچار هرج و مرج گردد. نبردهای پرکشتار قبیله‌ای و عدم اجرای عدالت از آثار متعدد آن بود. برخی معتقدند دلیل در رأس قرار گرفتن این هدف از دیرباز تاکنون را می‌توان در میل غریزی و ذاتی بشر به

انتقام‌جویی جستجو کرد. هر چند بخشایش مجرم امری پسندیده در آموزه‌های دینی و اخلاقی است، نباید از این نکته غافل شد که فرد متضرر از جرم مختار است که این شیوه را برگزیده، طالب سزادهی مجرم باشد و این واکنش از حقوق او محسوب می‌شود (۵). از این رو تنها اختیار قانون‌گذار در این زمینه ترغیب بزه‌دیده به بخشش است. همانطور که در دین اسلام نیز همین مسیر و روش انتخاب شده است نه حذف کیفر با دلایلی نظیر اثربخش نبودن یک مجازات بر روی شخص و عدم تأثیر در اصلاح و بازگشت مجرم به جامعه (۶). همانا اعمال چنین دیدگاهی صرفاً در مورد جرائمی کارساز است که جنبه عمومی داشته و ارتباط تنگاتنگی با حقوق مردم دارند نه جرائمی که در محدوده حقوق اختصاصی اشخاص قرار می‌گیرند. میل غریزی انسان به سزادهی مجرم، آتش انتقامی در دل او روشن می‌کند که صرفاً انتقام‌گیری از مجرم و زیان رساندن به او آن را فرو می‌نشانند این مسئله او را به واکنش در برابر مجرم وامی‌دارد. در این مسیر همواره بیم آن می‌رود که بزه‌دیده برای گرفتن انتقام خود آسیبی بیش از زیان خود به بزه‌کار تحمیل کند یا از مسیر درستی اقدام نکند. با در نظر گرفتن این عواقب مکتب کلاسیک با هدف کنترل محدوده واکنش انتقام‌جویانه و ایجاد مصونیت جامعه در برابر مضرات محتمل آن، مباحثی مثل قانونی نمودن واکنش به جرم و ایجاد تعادل بین جرم و مجازات را به بحث می‌گذارد. نظام فکری که از جانب این مکتب معرفی شد معتدل و عقلایی می‌نماید. گرچه منتقدان خود را نیز دارد برای مثال اندیشمندان مکتب دفاع اجتماعی بر این باورند که برای دفاع از حقوق جامعه حتی کیفرهایی نظیر اقدام متقابل نیز خالی از اشکال نیستند (۷). باید در نظر داشت توجه صرف به حقوق اشخاص یا جامعه منطقی و درست نیست و دیدگاه کیفری باید همه‌جانبه و با لحاظ کردن ابعاد مختلف باشد از این رو می‌توان گفت مکاتب دفاع اجتماعی و انتقام شخصی هر دو دچار افراط و تفریط در توجه به این مقوله شده‌اند حال آن که رویکرد میانه و صحیح برگزیدن راهی در تعادل بین حقوق جامعه و اشخاص است. به عبارت دیگر فرونشاندن آتش انتقام‌گیری بزه‌دیده حائز اهمیت است ولی باید به وسیله قانون

گشته و اجرای آن موضوعیتی ندارد؛ در واقع ضرورت وجود آن منشاء دیگری دارد که از عدالت و اخلاق نشأت می‌گیرد. و تالم و مشقتی است که بزهکار به سبب ایجاد نابسامانی در اجتماع و زیر سوال بردن هنجارهای اخلاقی آن باید متحمل گردد (۹).

ارزش‌های اخلاقی اقتضا می‌کنند که هر فردی در تقابل با رفتار ناشایست خود تنبیه و مجازاتی ببیند به همین دلیل است که چنین رویکردی در مواجهه با بزهکار اتخاذ می‌گردد. اما اگر این کیفر و آثار آن را متوجه افراد دیگر کنیم در واقع آنها را نیز بزهکار محسوب کرده‌ایم. که این امر به دور از عدل و قسط و نقض هنجارها و آموزه‌های اخلاق است. مع‌الوصف آنچه از جامعه توقع می‌رود این است که مطابق همین هنجارها علاوه بر بی‌کیفر نماندن هیچ بزهی اجرای کیفر در حق بزهکاران متناسب و معادل جرم ارتكابی آنها باشد مازاد بر آن فرد بیگناهی را نیز مورد مجازات و تنبیه قرار نگیرد (۱۰). بر پایه‌ی تفسیر فوق از رویکرد عدالت‌محور مجازاتی بر پایه‌ی عدل و انصاف است که علاوه بر پوسته و بستر بیرونی بزه - یعنی فعل مادی - زمینه‌های ایجاد و منشاء آن و جامع متغیرهای ملموس و غیرملموس روحی و فکری و همچنین شاخص‌های مؤثر خارجی را در بطن خود لحاظ کند؛ زیرا تنها در این فرض می‌توان گفت بزهکار مستحق کیفر خود بوده است. با تدقیق در مفهوم رویکرد آنچه برداشت می‌شود این است که در فحوای آن عدالت و قسط با مفهومی که پیشتر ذکر شد مورد توجه قرار نگرفته و این مکتب صرفاً لایه‌ی بیرونی بزه را مورد التفات قرار داده است. برگزیدن چنین دیدگاهی نیز به دور از دیدگاه همه‌جانبه‌ایست که انتظار می‌رود در روش‌های عقلایی و واجد ارزش علمی مشاهده شود از این رو بهره‌گیری اصول جزایی از آن صحیح به نظر نمی‌آید.

۵-۳-۵. تزکیه، مداوا و پرورش مجدد مجرم

تفکرات مربوط به بهسازی و تزکیه بزهکار از دیرباز مورد توجه بوده است به طوری که می‌توان در قرون وسطی مباحث مرتبط با آن را در گفتارهای مربوط به حقوق کیفری جستجو کرد بنابراین عنوانی حادث نیست و ریشه تاریخی دارد. برای

چهارچوب‌مند و تحدید گردد تا از ایجاد هرج و مرج در جامعه جلوگیری شود از سوی دیگر حقوق جامعه نیز نباید نادیده گرفته شود و توجه به مقوله آموزش و تربیت و مهیا کردن سازوکارها و ایجاد سازمان‌های تأمین‌کننده آن نیز ضروری است و نباید مورد غفلت قرار گیرد (۸).

۵-۲-۵. اجرای عدالت

میل به عدالت نیز همانند میل به آرامش یافتن از انتقام در گزینه و نهاد انسان است و با ذات او در هم تنیده است. جایگاه مفهوم عدل به حدی رفیع است که در سیره‌ی اسلام دلیل استواری زمین و سماوات به آن منتسب شده است. تدقیق در مفهوم عدالت و مطالعه و تعمق در ابعاد آن نسبت به این گفتار خروج موضوعی دارد و در این مبحث به ذکر نکاتی کوتاه از دیدگاه برخی حقوق‌دانان و صاحب‌نظران این حوزه بسنده می‌کنیم. ابتدائاً باید در نظر داشت از دیدگاه افرادی که نخستین کارکرد مجازات را استقرار عدل و انصاف می‌دانند، کارکرد کیفر در واقع واکنشی به رفتار بزهکارانه‌ی فرد می‌باشد به عبارت دیگر اجتماع در مقابل ارتکاب رفتار مجرمانه‌ی فرد کیفر را نسبت به او اتخاذ می‌کند (۷).

لازم به ذکر است در این دیدگاه، بزه و بزهکار فارغ از ویژگی‌های شخصی بررسی گشت. با گفته شدن سایر نظریات در باب اهداف کیفر، مقوله شخصی کردن مجازات شفاف‌تر خواهد گشت. هر چند در مکتب عدالت‌محور محوریتی به شخصی کردن مجازات داده نمی‌شد اما در شکل‌گیری اندیشه‌ای که پس از آن ایجاد شد و با نام «فردی کردن مجازات» در حقوق کیفری شناخته می‌شود نقش بسزایی داشت. این اندیشه تا کنون تغییرات قابل توجهی در قوانین کیفری ایجاد کرده است (۹).

تعیین کیفر با توجه به مسئولیت اخلاقی و اجتماعی بزهکار، مبنا و پایه‌ی این رویکرد است. در باب تبیین مسئولیت غیرحقوقی در فضای هنجارهای اخلاقی یا همان مسئولیت از دیدگاه اخلاق محض و عدالت باید گفت در این دیدگاه کیفر راهی برای ریشه‌کن کردن وقوع بزه نیست از این رو نمی‌توان گفت چنانچه اجرای کیفر در مردم ترسی پدید نیآورد بی‌ثمر

پیش از این، این روند فارغ از لحاظ کردن ظرفیت‌های فیزیکی، روحی و توانمندی‌های فردی طی می‌شد. همچنین روش‌های انجام آن طاقت‌فرسا و شدید بودند. اما امروزه با تلمیح به مفهوم شخصی‌سازی کیفرها تلاش بر این است که این پروسه با روش‌های پرورش و آموزش هماهنگ با خصوصیات و ظرفیت مجرمین باشد تا سازنده واقع شده و بتواند شکاف ایجاد شده بین مجرم و جامعه را پر نماید (۱۰). پیشنهاد رویکرد مذکور در جهت شخصی ساختن کیفر و مطالعه‌ی مجرم با مینا قرار دادن منش هنجارمند این است که، علاوه بر در نظر گرفتن مقررات حاکم، وضعیت روحی، فکری و جسمی مجرم نیز مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل توصیه می‌شود علاوه بر سابقه‌ی ارتکاب جرم توسط بزهکار وضعیت زیستی، پزشکی، روحی و خواستگاه او در جامعه با روش‌های لابراتواری و با در نظر گرفتن نظریات علمی در حوزه‌های مختلف به ویژه جرم‌شناسی و روان‌شناسی در جامعه نیز مورد عنایت قرار گیرد.

لازم به ذکر است در جهت تضمین حقوق افراد، صرفاً زمانی مجوز استفاده از روش‌های مذکور وجود دارد که انجام بزه توسط قانون جرم‌انگاری شده و انتساب آن به بزهکار احراز شده باشد. «تهضت دفاع اجتماعی» نیز در راستای تحقق این امر توصیه می‌کند مرحله محرز شدن بزهکاری از مرحله صدور رأی جدا باشد. شایان توجه است از آنجایی که مطلع شدن بزهکار از برآیند به دست آمده از روش‌های مذکور و تحقیقات انجام گرفته بر روی ابعاد مختلف شخصیت او ممکن است آثار مخربی بر روی روان وی و دیدگاه اجتماع داشته باشد، بهتر است دو مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی و دادرسی متصل و بدون تسلسل صورت گیرند. این امر امکان شرکت بازپرس در هر دو مرحله‌ی مذکور به صورت یکپارچه در قامت یک اصل را فراهم آورده و احتمال انتشار اطلاعات را کاهش می‌دهد (۷). با در نظر گرفتن آنچه پیشتر بیان شد باید گفت ریشه‌های اندیشه بهسازی و پرورش مجرم به اندیشه دفاع اجتماعی از راه همگام شدن مجدد و بازپروری برای ورود به جامعه برمی‌گردد.

۲. علاوه بر مورد مذکور اندیشمندان این حوزه مکرراً مجازات زندان را مورد انتقاد قرار داده و به جای آن جانشین‌هایی نظیر

مثال سقراط خشمگین شدن از بزه‌کاران را معقول ندانسته و شیوه‌ی صحیح در برخورد با آنان را تعلیم عدم تکرار جرم می‌داند. وی ریشه‌های ارتکاب جرم را در جهل دانسته و معتقد است آحاد جامعه فرصت یادگیری دانش را نداشته‌اند (۷).

افلاطون بزهکاران را دردمندانی می‌داند که باید با ابزارهای مناسب مداوا گردند و قانون به مثابه طبیب ملزم است ترک عمل ناهنجار را به ایشان آموزش دهد. چنین رویکردهایی مبنای تفکر نئوکلاسیک قرار گرفته. همچنین با اقتباس از چهارچوب فکری افرادی نظیر جان هوارد و مبیون مقصود مجازات در این مکتب پرورش مجدد و بهبود بخشیدن مجرم دانسته شده (۱۱).

گرچه باید در نظر داشت که افراط و تفریط‌هایی هم در مفهوم «بازپروری بزهکار» در عرصه‌ی حقوق کیفری رخ داده و دستاویز ضایع گردیدن حقوق برخی از اشخاص گشته. همچنین به برخی مجرمان فرصت داده که در سایه‌ی گسترده‌ی آن از تحمل مجازات درخور بگریزند. اما فارغ از تمامی نکات مذکور در یک نگاه همه‌جانبه باید رویکرد و مقصود این اندیشه را پسندیده و منطقی به شمار آورد. و شایسته است که با تعمق در ابعاد مختلف آن چهارچوبی جامع برایش تعیین گردد. در بررسی و تدقیق در این دیدگاه چند نکته ذیلاً آورده می‌شود:

۱. اگر مفهوم بهسازی بزهکار را سرلوحه قرار داده و کوشش نماییم از انحراف مجدد و دچار شدن او به بلای جرم پیشگیری نماییم، نقش کیفر در این دیدگاه مانند معلمی است که بزهکار از آن می‌آموزد چگونه برای بازگشت به اجتماع ابعاد مختلف شخصیت خود را رشد داده و با محیط اطراف خود تعامل برقرار سازد همچنین با هنجارهای آن همگام گردد. علاوه بر آن مجازات مرهمی است که با آن می‌توان بیماری‌های فکری و فیزیکی مجرم را بهبود بخشید (۱۱). به عبارت دیگر بهسازی، ساختن مجدد و تصحیح گرایش‌های تخریب‌گرایانه در وجود فردی است که با کنش خود بستر تخریب حقوق اجتماع را فراهم آورده و برای سایرین ایجاد ناامنی کرده است.

بررسی گسترده آن در حوصله بحث حاضر نیست. به طور خلاصه می‌توان گفت در دین شریف اسلام مجازات زندان به صورت تعزیری و حدی است. بر دادرس واجب است که مجازات حبس حدی را بر مرتکب اجرا کند اما اعمال مجازات‌های تعزیری با انعطاف بیشتری همراه بوده و دادرس در مواردی مختار به تبدیل یا تخفیف آن است. فلسفه‌ی عدم وجود انعطاف در تقلیل یا تبدیل زندان حدی اصطحکاک عمل ارتكابی مجرم با ارزش‌های بنیادین و هسته سخت اخلاق جامعه همچنین اخلاق در نظم عمومی می‌باشد. ولو اگر اثر اصلاحی بر روی بزهکار نگذارد. علی‌ایحال در این مصادیق نیز تأثیر مثبتی در اجتماع برای آگاهی از قبح جرم دارد.

۳. گراماتیکا و مارک آنسل از اندیشمندانی هستند که گرایش به بهسازی و پرورش فکری بزهکاران دارند. گرچه اختلاف اندکی در رویکرد آنها وجود دارد. گراماتیکا بر این باور است که مقصود اصلی حقوق کیفری که همانا بازگردان مجرم به جامعه، اصلاح و هنجارپذیر کردن وی است با اعمال تنبیه و کیفر محقق نمی‌گردد بلکه این امر ممکن است نتیجه‌ی عکس داده و با ایجاد سرخوردگی و حس پستی در بزهکار، او را در معرض حرکت به سمت حسیض اخلاق و انسانیت سوق می‌دهد. از سمت دیگر آنسل از انعطاف بیشتری در کنار زدن کامل مجازات برخوردار بوده، و طالب الغاء کامل آن نبود بلکه در بعضی مصادیق بهترین راه بهسازی مجرم را کیفر می‌دانست آن هم با لحاظ کردن کرامت انسانی و تدقیق در شخصیت حقیقی بزهکار نه صرفاً ملموسات و فعل مادی جرم. وی اعتقاد داشت که حاکمیت باید سیاست‌های خود در حوزه‌ی کیفری را در جهت حمایت از شأن و جایگاه افراد و تشخیص آن‌ها تقویت کند. گرچه در این مسیر باید در نظر گرفته شود که بزهکار به اقتضای شرایط خود چه واکنشی به این کنش داشته و تا چه حد توان پذیرش آن را دارد. عنایت به مورد مذکور برای ایجاد توازن بین حقوق مجرم، جامعه و دولت ضروری است (۷).

او بر این باور است که صرفاً در حالتی می‌توان بزهکار را مجازات کرد که همه‌ی مسیرها برای تربیت و پرورش وی با ناکامی مواجه شده. اگر قرار بر اجرای مجازات باشد نیز باید

محرومیت از حقوق اجتماعی، مجازات نقدی و خدمات اجتماعی را در جهت بهسازی و پرورش مجدد مجرم برای بازگشت او به اجتماع پیشنهاد می‌دهند. برخی متفکرین بر این باورند که حبس می‌تواند به جای اصلاح مرتکب جرم بر روی وی آثار مخربی نیز داشته و دشواری‌هایی را برای ورود او به اجتماع ایجاد نماید از جمله آنها می‌توان به معاشرت با افراد نامناسب و تشدید رفتارهای غیراخلاقی اشاره کرد. همچنین امکان سنجش کیفیت روحی و فکری مجرم را کاهش می‌دهد. نویسندگان صاحب دکتترین در حوزه کیفری بالاخص در ایالات متحده اذعان داشته‌اند مجازات حبس به سبک جدید با ناکامی مواجه شده و در آینده نیز مواجه خواهد شد؛ دلیل آن این است که حبس راهکار بهسازی مجرم و پیشگیری از وقوع بزه نیست. برخی معتقدند حبس می‌تواند موقتاً به عنوان مکانی برای بررسی بزهکار، سنجش نیازهای زندانی، شناخت مشکل و بیماری وی و التیام آن مورد استفاده قرار گیرد. ولی حتی اگر حبس مجرم برای کارکردهای مذکور باشد باز هم انتخاب مناسبی نیست؛ زیرا زندان باعث افت روحی و افسردگی فرد می‌گردد. بررسی صحیح بزهکار و به دست آوردن نتایج علمی و مطابق با واقع مستلزم قرارگیری فرد در بستر خانواده و جامعه می‌باشد تا فرد به جای تأثیرپذیری از محیط و دچار شدن به آشفتگی و اختفای ابعاد روحی و شخصیتی خود به صورت آزادانه خود را بروز دهد. مجرم به دور از محیط اصلی زندگی خود ممکن است رفتارهای متفاوتی از نشان داده و به جای رفتار طبیعی و آزادانه دچار اختلالات خلقی گشته و عدم سنخیت او با جامعه را دوچندان گردد (۷).

شایان ذکر است تنها متفکران نهضت دفاع اجتماعی نیستند که به مجازات زندان انتقاد دارند. بعد از به کارگیری حبس به جای مجازات‌های فیزیکی اندیشه‌های دیگر نیز به آن ایراداتی چند گرفتند. از جمله پوزیتویست‌ها که وجود مسئولیت در قبال اخلاق و هنجارهای جامعه را انکار می‌کردند، این کیفر را مذموم دانسته و با آن به مخالفت پرداختند. مطالعه‌ی جنبه‌های مختلف مجازات حبس به خصوص در رویکرد اسلامی نکات بسیاری را برای شرح و بسط دربر دارد که

بازپروری و توانمندسازی بزهکاران، به کار بستن راهکارهایی برای بازپذیرش بزهکاران اصلاح شده در میان دسته افراد عادی و غیرمجرم و زدودن کلیه عوامل جرم‌زا از جنبه‌های مختلف زندگی مجرم، ممکن‌الحصول است (۹).

علاوه بر نویسندگانی که به آن‌ها اشاره شد، لمبرزو، گاروفالو، آنکریکوفری از جمله متفکران حقوق جزائی هستند که مقوله‌ی اقدامات تأمینی - تربیتی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. لمبرزو از آنکریکوفری و گاروفالو رویکرد تندتری را اتخاذ کرده بود؛ از دید آن آنکریکوفری و گاروفالو به منظور کم شدن خطرات ناشی از حضور افراد مجرم در سطح اجتماع توسل به راهکارهایی که هدف آن‌ها ایجاد ترس در گروه مجرمان برای جلوگیری از ارتکاب بزه می‌باشد کفایت نمی‌کند. علاوه بر این افزایش راهکارهای حفاظت دفاع اجتماعی، لازم است. از منظر ایشان، فضای جامعه باید به نحوی تنظیم شود که در آن عوامل جلوگیری از ارتکاب بزه برای همگان نمایان باشد. پرادل نیز که از طرفداران همین رویکرد می‌باشد با تمرکز بر نقش‌آفرینی اقدامات تأمینی - تربیتی برای زدودن عوامل جرم‌زا بیان داشته است: واکنش نظام‌مند جامعه در مقابل انفعال ایستا که از رویکرد انسان‌شناختی نشأت می‌گیرد، وجود دارد. اگر تنها متغیر مهم در این میان جامعه است و محیط مذکور دارای کاستی‌ها و خلاهایی باشد و به نحوی که خلاها و کاستی‌های مذکور فضای مناسبی را برای ارتکاب بزه فراهم می‌کند، در نتیجه باید کلیه برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های ممکن در چهارچوب اصلاح و بهینه‌سازی این متغیر مهم قرار گیرد (۱۱).

ب. جلوگیری و مواجه شدن با حالت پرخطر: استفاده از اقدامات تأمینی - تربیتی در مورد دسته‌ای خاص از مرتکبان جرم، ابتدا به ساکن توسط آنکریکوفری، لمبرزو، و گاروفالو طرح گردید. لمبرزو، آنکریکوفری با قبول ریشه‌های رویکرد تحقیقی در حقوق کیفری، که همان گرایش به جبرگرایی و فقدان اختیار در مجرم است، به منظور جبران کاستی‌های آن در کاهش جرم بیان داشته‌اند که لازم است تعالیم اخلاقی این رویکرد جزایی به مسئولیت آن در قبال جامعه نیل یابد. در این صورت حفاظت از اجتماع و بازخورد آن مقابل بزهکار با

شخصیت و کرامت انسانی، جایگاه اجتماعی و آبروی افراد در اعمال آن مورد عنایت قرارگیرد و اسباب توبه و بازگردیدن وی به اجتماع گردد نه این که عملکرد آن در جهت منفی بوده و مجرم را از جامعه گریزان سازد.

۵-۴-۵. جلوگیری از وقوع بزه و تکرار آن

بدون شک پرداختن به راه‌ها پیشگیری از وقوع بزه معقول‌ترین روش و دیدگاه به شمار می‌رود. ضرورت آن تا حدی است که بعضی اندیشمندان معتقدند برای رسیدن به سیاست جنایی کارآمد این مقوله باید اولویت اول قرار گیرد (۱۰). پراهمیت‌ترین روش‌ها برای جلوگیری از ارتکاب بزه از این قرارند: - توسل به اقدامات تأمینی - تربیتی، روش‌های رویارویی با بزهکاران پرخطر و در نهایت استفاده از طرق ویژه اعمال مجازات. روش‌های ذکرشده گرچه ذیلاً به طور مستقل مورد مطالعه قرار می‌گیرند اما باید در نظر داشت در بطن خود با یکدیگر ارتباط و همبستگی دارند:

الف. جلوگیری از وقوع جرم و اقدامات تأمینی - تربیتی: این رویکرد با پشت سر گذاشتن سابقه‌ی بزهکار، با هدف پیشگیری از ارتکاب مجدد بزه صرفاً بر آتیه‌ی او و آنچه در پیش رو دارد متمرکز می‌گردد. استفاده از روش‌های تأمینی یا راهکارهای مداوگر هم در همین حوزه کاربرد دارد. استمداد از روش مذکور می‌تواند در بهسازی مجرم - که سابقاً به آن اشاره گردید - نیز مؤثر واقع شده و در واقع یکی از طرق رسیدن به این مهم محسوب می‌گردد. آنچه بین این دو تمیز ایجاد می‌کند این است که چنانچه رویکرد مذکور بر روی مجرمان پرخطر اعمال شود مقصود آن پیشگیری و چنانچه در بر روی مجرمین کم‌خطر اعمال گردد مقصود آن بهسازی و تغییر مثبت بزهکار است. مبنای اصلی توسل به این فرایند در حقوق کیفری، اصل استعداد بزهکار برای زندگی به جای اصل کلاسیک تناسب میان جرم و مجازات است (۱۱). به زعم طرفداران این رویکرد، نیل به مقصود اصلی مجازات، که همان حفظ و حمایت از منافع اجتماع می‌باشد، صرفاً از طریق حمایت و حفاظت از اشخاص میسر است. با این اوصاف، حمایت و حفاظت حقیقی از جامعه فقط در چهارچوب

مشکلات بهداشتی و روانی» باعث می‌شود تا مخالفان به فکر ایجاد روش‌های جایگزین مناسب برای کیفر حبس باشند. به عبارت دیگر، این‌ها باعث می‌شوند که کیفر حبس نتواند آن رسالت و اهداف مورد نظر را برآورده نماید، به عنوان مثال جرم‌زا بودن محیط زندان و تراکم جمعیت و کمبود فضا باعث شکست برنامه اصلاح و درمان در زندان می‌باشد. مجازات‌ها از اهدافی برخوردار می‌باشند و از جمله آنها که عبارتند از: ارباب و عبرت‌انگیزی و پیشگیری از جرم به طور خاص و عام» و بازسازی‌گری مجدد مجرم در جامعه «اصلاح و درمان». مخالفان کیفر حبس معتقدند که این مجازات نتوانسته است اهداف فوق را برآورده کند (۱۳). ذیلاً به عقاید مخالفان کیفر حبس راجع به ناتوانی و شکست مجازات حبس در تحقق هر یک از اهداف فوق در دو بند جداگانه خواهیم پرداخت.

۵-۶-۱. ناتوانی در پیشگیری از جرم

یکی از اهداف مجازات‌ها، ارباب و بازدارندگی می‌باشد. منظور جنبه‌های پیشگیرانه و سودمندانه کیفر می‌باشد به این معنا که آن کیفر، چنان ترس و واهمه‌ای ایجاد کند که در وهله اول، نسبت به خود مرتکب است تا تمایل به ارتکاب مجدد بزه را در او از بین ببرد و در وهله دوم، نسبت به عموم افراد جامعه که جزء بزهکاران بالقوه می‌باشند و ممکن است به تقلید از بزهکار اصلی به دامن ارتکاب جرم روی آورند. تعبیر جلوگیری از اندیشه ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب را پیشگیری خاص و جلوگیری از ارتکاب جرم به تقلید از بزهکار را پیشگیری عام می‌نامند، اینکه آیا کیفر حبس توانسته این هدف مجازات‌ها را برآورده کند یا خیر به درستی معلوم نیست (۱۴).

پیشگیری به معنای رفع، جلوگیری، مانع شدن و از پیش مانع چیزی شدن تعریف شده است (۱۵). واژه پیشگیری در منابع دیگر نیز چنین معنا شده است: «جلوگیری، دفع، صیانت، مانع شدن، جلوگیری» (۱۶). «اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات ناگوار و ناخواسته». از طرفی تعریف مفهومی پیشگیری از جرم «به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که برای جلوگیری از فعل و انفعال زبان‌آور محتمل برای فرد یا گروه و

تکیه بر وضعیت پرخطر بزهکار، که به تعبیر گاروفالو همان استعداد جنایی است، استقرار یابد (۱۱).

این دیدگاه در مسیر تحول خود دو رویکرد را طی کرد. اولین رویکرد تارد و آدولف پرنس بودند، که در این رویکرد متغیر بازپروری اجتماعی و اصلاح مجرم مهم‌ترین عامل در فرایند حفاظت از جامعه محسوب می‌شود. آنسل و گراماتیکا که بنیان‌گذاران رویکرد دوم بودند نیز به نحوی بر همان بازپروری اجتماعی و اصلاح مجرم تأکید داشتند و در ضمن آن معتقد بودند که مجرمان پرخطر باید خنثی و بی‌اثر شوند.

ج. پیشگیری و اعمال مجازات: توسل به راهکارهای اختصاصی برای اجرا مجازات یکی دیگر از روش‌های جلوگیری از ارتکاب بزه می‌باشد. در واقع هدف اصلی تحریک ذهنیت مجرم به چالش‌ها و سختی‌های فرایند اجرای مجازات می‌باشد. این راهکار مصادیق متعددی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توانیم به این موارد اشاره کنیم: سلب آزادی مجرم بدون مشخص نمودن مدت زمان آن، سلب آزادی مجرم در کنار سایر مجازات‌ها، مقابله با حبس‌های کوتاه‌مدت و تخفیف‌های بعضاً افراطی دادگاه‌ها، اجرای علنی کیفر، اعطای صلاحیت‌های لازم به دادرسان برای توسل به شیوه‌های خاص و ابتکاری و عدم محصور کردن دادرسان در روش‌ها و سازوکارهای سنتی از پیش تعیین شده از قبیل تعلیق مجازات و آزادی مشروط.

۵-۶. مجازات حبس و عدم تحقق اهداف مجازات‌ها

مجازات حبس دیگر امروزه کارایی ندارد و اثرات زاینبار آن بیشتر از فواید و منافع اجرایی آن است، به همین دلیل جایگزین‌های مناسب برای کیفر حبس پیش‌بینی شده است تا اینکه جایگزین‌ها بتوانند اثرات زاینبار کیفر حبس را از بین برده یا اینکه از اثرات آن بکاهد. این دلایل بخشی به اهداف کیفر حبس برمی‌گردند و بیانگر این امر می‌باشند که کیفر حبس نتوانسته اهداف مورد نظر اصلاح و درمان و ارباب و بازدارندگی را برآورده نماید (۱۲).

بخشی دیگر از این دلایل بر نقش کیفر حبس و شیوه اجرا آن برمی‌گردند. به عبارت دیگر، محیط زندان و قیود و شرایط حاکم بر آن «جرم‌زا بودن زندان - هزینه‌های اقتصادی،

یا هر دو به عمل می‌آید. مثل پیشگیری از حوادث کار، جرائم جوانان و حوادث در جاده‌ها و...» (۱۷).

برخی پیشگیری از بزهکاری را شامل ابزاری می‌دانند که دولت به منظور مهار بزهکاری به جهت محدود کردن یا حذف عوامل جرم‌زا به کار می‌گیرد. برخی دیگر نیز معتقدند که پیشگیری در برگیرنده اقداماتی است که نرخ بزهکاری را کاهش دهد. بدین صورت که از یک سو علل اثرگذار بر بروز جرم را شناسایی کرده و از سویی دیگر ابتکارات مناسبی را برای مبارزه با این علل اعمال نماید. گروهی دیگر نیز بر این باورند که پیشگیری مجموعه‌ای از اقدامات قهرآمیزی است که برای تحقق هدفی ویژه (مهار بزهکاری)، کاهش احتمال وقوع جرم و کاهش شدت بزه در مورد علل جرائم، اتخاذ می‌گردد (۱۸).

آمارها نشان می‌دهند که این کیفر در برآورده کردن این هدف موفق نبوده است و باز می‌بینیم که نه تنها عموم افراد از ارتکاب جرم دست نکشیده‌اند بلکه همچنین بخشی از جمعیت کیفری زندان را تکرارکنندگان جرم تشکیل می‌دهند و هر سال به این تعداد افزوده می‌شود. برای مثال آمار زندانیان در سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۸۱ از ۹۱۲۴۳ به ۱۵۱۰۶۲ نفر افزایش داشته و بیشترین رقم ۱۶۶۱۱۳ است که مربوط به سال ۱۳۸۰ است. این‌ها بیانگر این است که مجازات زندان در کاهش آمار جرائم، بازدارندگی و پیشگیری از جرم تأثیری ندارد. بنابراین زندان نه تنها نمی‌تواند امنیت قضایی را برقرار کند، بلکه بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی را نیز موجب خواهد شد. علت عدم موفقیت نقش بازدارندگی را برخی در این می‌دانند که «جرم ناشی از عواملی از قبیل فقر، بیکاری، بیسوادی، مهاجرت و... است که زندان در از بین بدون آنها هیچ نقش و تأثیری نخواهد داشت و تا وقتی علل و زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه وجود داشته باشد زندان از ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد» (۱۹).

گاهی اوقات با تشکیل باندهای بزهکاری در زندان این مکان به محلی برای شروع فعالیت‌های مجرمانه مبدل می‌شود و محکوم پس از بازگشت به جامعه با فعالیت در گروه مجرمانه مرتکب جرائم سنگین‌تری می‌شود زندان که باید مکانی برای اصلاح و تربیت و تهذیب اخلاقی بزهکاران باشد به تعبیر

مارک آنسل تبدیل به مدرسه تکرار جرم می‌شود (۲۰). حبس که ایجاد شده بود تا با تفکر مجرمانه در زندان مبارزه کند، اخلاق او را اصلاح کند و شخصیت ضداجتماعی او را از نو بسازد و در نگرش او به زندگی اجتماعی تحولی ایجاد کند، استعدادهای بالقوه زندانی را بشناسد و برای شکوفایی آنها تلاش کند و در جهت هماهنگی و سازگاری محکوم با ارزش‌های پذیرفته شده در جامعه گام بردارد امروزه از مسیر اصلی خود منحرف شده است.

ضروری است که متهمان از محکومان جدا نگهداری شوند و محکومان به حبس بر اساس اهمیت جرم و خطرناکی مجرم، سن و جنس و وضعیت سلامتی طبقه‌بندی شوند. زندان‌های ما ۴ تا ۶ برابر ظرفیت خود در خودش زندانی جای داده و این ازدحام جمعیت اصلاح و تربیت محکومان را دشوار می‌سازد. در حال حاضر ۶۰٪ فضای زندان‌ها را زندانیان مواد مخدر بخود اختصاص داده (در ایران) محکومان مالی یعنی افرادی که به دلیل عجز از پرداخت بدهی مانند مهریه، دیه، جریمه نقدی در زندان هستند و بر شمار زندانیان می‌افزاید مجرم واقعی نیستند و طرد آنها از جامعه تضمین‌کننده امنیت و آسایش عمومی نیست. باید برای این دسته از افراد مجازات‌های جایگزین با فوریت بیشتری اجرا شود (۱۹).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه نمی‌توان نقش عواملی همچون فقر، بیکاری و مهاجرت و... را در عدم پیشگیری مجازات حبس از ارتکاب جرم نادیده گرفت، اما علت اصلی این امر که بخش عمده‌ای از جمعیت کیفری زندان را هنوز تکرارکنندگان جرم تشکیل می‌دهند، به نظر می‌رسد به لحاظ معایب و ایراداتی می‌باشد که در وجود کیفر حبس و اجرای آن نهفته است لذا، وقتی که کیفر حبس با توجه به داده‌های آماری این هدف مجازات را برآورده نکند و اجرای آن مفید واقع نشود توسل به سیاست جایگزین و برنامه‌های آن امری ضروری است.

۵-۶-۲. شکست برنامه‌های اصلاح و درمان

یکی دیگر از اهداف مجازات‌ها بازپروری مجدد اجتماعی بزهکاران و اصلاح و درمان آن‌ها می‌باشد. اندیشه اصلاح و

هدف خود یعنی اصلاح و درمان را برآورده کند. از جمله عواملی که تأثیر به‌سزایی در عدم موفقیت برنامه اصلاح و درمان بزهکاران در زندان دارند و یا زمینه‌های اصلاح و درمان را دشوارتر می‌کنند عبارتند از اولاً، تراکم جمعیت زندان و کمبود فضای مناسب برای نگهداری زندانیان. به علت کثرت جمعیت برنامه‌های اصلاحی موفقیت‌آمیز نبوده است به طوری که متهمان و محکومان سابقه‌دار و محکومین بی‌سابقه همزیستی اجباری داشته و نهایتاً برای فعالیت‌های بزهکارانه در آینده برنامه‌ریزی کنند (۲۲). بنابراین عامل تراکم جمعیت از جمله عوامل است که زمینه بازپروری و اصلاح و درمان بزهکاران را دشوارتر می‌کند ثانیاً، مشکلات و معضلات بهداشتی و شیوع انواع بیماری‌های عفونی نظیر، ایدز، به عنوان یک عامل ناکارآمدی حبس ثالثاً، کمبود مأمور مراقب و مددکار زندان.

بر اساس استانداردهای بین‌المللی باید در قبال هر نفر زندانی، یک مأمور مراقب باشد در حالی که در کشور ما برای هر ۱۴۰ نفر زندانی یک نفر مراقب وجود دارد و نیز برای هر ۹۰ نفر زندانی یک مددکار باید در نظر گرفته شود، در حالی که در زندان‌های کشور به ازای ۱۱۴۵ نفر زندانی یک مددکار وجود دارد. همین امر باعث شکست برنامه اصلاح و درمان می‌شود. رابعاً، پذیرفتن حبس به عنوان مجازات اصلی جرائم در قوانین جزایی (۲۳).

یکی از مشکلات اساسی کشور ایران در داشتن زندان‌هایی شلوغ است. اصل پذیرفتن زندان به عنوان مجازات آن هم برای همه گونه جرائم و همه شرایط و اوضاع و احوال در قوانین و مقررات مختلف به عنوان مثال، قانون تعزیرات و بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی است، در صورتی که در خیلی از موارد به نظر می‌رسد باید از آن عمل ارتكابی، عنوان جرم را حذف کرد یا اینکه از پذیرفتن کیفر حبس به عنوان مجازات اصلی خودداری شود. بدین ترتیب مهمترین نقص مجازات سالب آزادی افزایش خطر تکرار جرم است که آن را تا حدود ۵۰ درصد دانسته‌اند (۲۴). با توجه به موارد مطرح شده، می‌توان گفت امروزه کیفر حبس، توان بازپروری و اصلاح مجرمان را ندارد و بالعکس با توجه به

درمان بزهکاران و بازسازی مجدد وی یکی از آموزه‌های فکری مکتب دفاع اجتماعی جدید می‌باشد (۱۴). برنابولک معتقد است که: «اصلاح مقصر با این هدف است که او دوباره به راه خطا باز نگردد» (۱۴). اندیشه اصلاح و درمان و بازپذیری در اسناد بین‌المللی منعکس شده است. به عنوان مثال می‌توان به قواعد حداقل لازم‌الرعايه راجع به طرز رفتار اصلاحی با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که در سال ۱۳۵۴ به امضای دولت ایران رسیده و مجلس نیز آن را به تصویب رسانده است. مفاد همین قواعد و مقررات بود که قبل از انقلاب و بعداً توسط دولت جمهوری اسلامی ایران با تدوین آئین‌نامه‌هایی تحت عنوان آئین‌نامه اجرائی حبس در سال ۱۳۷۲ و سپس اصلاحیه آن در سال ۱۳۸۰ به مرحله اجرا درآمد. همه این معاهدات و مقررات و طرح‌های بین‌المللی و داخلی در جهت انسانی کردن مجازات حبس و اصلاح و درمان مجرمان پیش‌بینی و ارائه شده بودند. اما به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر زندان و نحوه اجرای آن وارد می‌باشد جنبه‌های اصلاحی و بازپروری کیفر حبس دچار تردید و شکست شده به گونه‌ای که زندان امروزه علی‌رغم تأکید بر جنبه‌های اصلاح و درمان و بازپروری آن، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد بلکه بر نرخ تکرار جرم ارتكابی توسط زندانیان بعد از آزادی از زندان افزوده شده است. بدین صورت که، میزان تکرار جرم توسط کسانی که تحمل حبس کرده‌اند ۳۳/۸۲ درصد بوده و در بین کسانی که مجازات آنها معلق شده تنها ۳/۹۵ درصد است (۲۱).

در توجیه این امر به نظر می‌رسد که اصلاح و بازسازی در محیط بسته و تحت اجبار کارایی لازم را نداشته و زندان با هر کیفیتی باشد باز هم اثر اصلاحی آن نسبت به اصلاح و بازسازی در اجتماع کمتر است. قبل از اینکه به توضیح کامل عوامل شکست برنامه اصلاح و درمان بپردازیم، خاطر نشان می‌شود که برخی از این عوامل نظیر تراکم جمعیت زندان، کمبود فضای مناسب گویای همان جمله‌ای است که در ابتدا مورد اشاره قرار گرفت و آن اینکه این دلایل به نوعی به مشکل دلایل از نوع اول دامن می‌زنند و کیفر حبس نتوانسته

جامعه سازگار شده و به عنوان شهروندی متعهد در جامعه فعالیت کند. بازدارندگی، هم برای مجرم و هم برای افراد جامعه، مساعدت و سرپرستی وی، تقویت حس مسئولیت‌پذیری، افزایش تعهد مجرم به جامعه، افزایش حضور وی در جامعه، مشارکت جامعه مدنی در اجرای مجازات و ویژگی‌هایی که پیامدهای منفی حبس را دارا نمی‌باشد.

منظور از جایگزین حبس، نه تنها شامل مواردی که به عنوان کیفر مستقل مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد مثل خدمات عمومی، دوره مراقبتی، جریمه روزانه. بلکه شامل مواردی که زمینه اجتناب از اجرای مجازات حبس یا صدور آن را فراهم می‌کند مثل تعلیق اجرای مجازات و تبدیل مجازات هم می‌شود و مواردی که از ادامه اجرای مجازات حبس جلوگیری می‌کنند نظیر آزادی مشروط و میانجی‌گری در مرحله اجرای حکم می‌شود. بنابراین اعمال برنامه و جلوه‌های جایگزین نه تنها در مرحله صدور حکم بلکه در مرحله اجرای حکم نیز قابل تصور است. در حقوق ایران برابر ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات‌های جایگزین حبس عبارتند از: دوره مراقبت، جزای نقدی، جزای نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی، خدمات عمومی رایگان است. در کنار این مجازات‌ها، می‌توان از نهادهایی مانند نظارت الکترونیکی، آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات و... سخن راند که هر یک به طریقی در کاهش جمعیت کیفری زندان موثر می‌باشند. در نتیجه به نظر می‌رسد که مجازات‌های جایگزین حبس به نحو بسیار مناسب‌تری اهدافی که قانون‌گذار در طراحی و تصویب مجازات حبس دنبال می‌کند را تضمین می‌کند.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

شلوغی محیطی زندان و روبرو شدن با مجرمان خطرناک و سابقه‌دار همین محیط سبب شکل‌گیری و حتی یادگیری جرایم جدید در فرد می‌گردد. بر این اساس بهره‌گیری و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس می‌تواند برنامه‌های اصلاحی و درمانی مجازات‌ها را تأمین نماید.

۶. نتیجه‌گیری

در دنیای کنونی که هدف مجازات‌ها با گذشته متفاوت شده و ما شاهد طرد مجازات‌های مختلف جسمانی از صحنه سیاست کیفری هستیم و هدف اصلی مجازات‌ها دنبال کردن تدابیر اصلاحی و تربیتی است، بازگشت به شیوه‌های ابتدایی مجازات، گام مثبتی در راستای تحقق اهداف نوین واکنش‌های کیفری تلقی نخواهد شد. مجازات‌ها از ابزارهای حاکمیت در اداره جامعه است، بکارگیری این ابزار در دوره‌های مختلف حکومت‌ها و از دولتی به دولت دیگر متفاوت است؛ در رابطه با توجیه مجازات‌ها در حقوق کیفری مکاتب مختلفی بوجود آمدند که هرکدام از دید خود اهداف و آثار متفاوتی را در رابطه با مجازات لحاظ می‌کردند. از اهداف مجازات‌ها می‌توان به پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط بزهدار و دیگر افراد جامعه، بهسازی، درمان و بازپروری و اجرای عدالت اشاره نمود. به نظر می‌رسد یکی از اهداف اجرای مجازات زندان پیشگیری از ارتکاب جرم است که دولت‌ها با هدف نشان دادن قاطعیت خود، مجازات را جاری می‌کنند. پس بنابراین از اهداف اجرای مجازات می‌توان به پیشگیری از ارتکاب جرم و تکرار مجدد جرم و همچنین اجرای عدالت و درمان و بازپروری اشاره نمود.

کیفر حبس دارای برخی ویژگی‌ها و اهدافی می‌باشد که مانع از ارتکاب جرم شده و در مقابل نیز از پیامدهایی برخوردار است که تأثیر منفی بر مجرم و جامعه می‌گذارد. با توجه به معایب کیفر حبس، بحث از مجازات‌های جایگزین مطرح می‌شود. حقوقدانان برای جایگزین‌های حبس به شرط اجرای صحیح، دقیق و اصولی، ویژگی‌هایی مثبتی قائل شدند که می‌تواند موجب کاهش جرم در جامعه شود؛ از جمله برآورده ساختن اهداف مجازات نظیر: اصلاح مجرم، به این معنی که با

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. Zamani G. Challenges of life imprisonment from the perspective of international criminal law. *Doctrines of criminal law*. 2012;3(1):1-29. (Persian).
2. Hematyar A. A Comparative Study of Punishments in the Iranian and British Legal Systems. *Detective Magazine*. 2012;18(1):114-49. (Persian).
3. Nobahar R. The purpose of punishments in sexual crimes subject to had in Islamic criminal law. *Mofid Magazine*. 2007;3(1):110-40. (Persian).
4. Rahiminejad E, Habibzadeh M. Disproportionate punishments: Punishments contrary to human dignity. *Private Law Studies*. 2008;38(2):115-33. (Persian).
5. Alishahi A, Alishahi M. Examining the theoretical foundations of respect for the human personality of offenders during punishment. *Islamic Insight and Education*. 2015;12(33):33-53. (Persian).
6. Al-Awji M. Lessons in Criminal Science. Beirut: Nawfal; 2010. (Arabic).
7. Dadban H. Public Criminal Law. Qom: Qom Higher Education Complex; 2006. (Persian).
8. Mazlouman R. Salb Azadi School. *Judicial Monthly*. 2006;111(1):41-61. (Persian).
9. Sanei P. Public Criminal Law. Tehran: Ganj-e-Danesh Publishing; 2014. (Persian).
10. Ardabili M. General Criminal Law. Tehran: Mizan Publishing; 2017. (Persian).
11. Pradel J. History of Criminal Thoughts. Tehran: Samat Publications; 2007. (Persian).
12. Ashouri M. Alternatives to imprisonment or intermediate punishments. Tehran: Tendency Publishing; 2004. (Persian).
13. Ardabili M. Alternatives to Short-Term Prisoners in Iranian Criminal Law. *Journal of Legal Research*. 2004;11(1):121-49. (Persian).
14. Najafi Aberandabadi A. Criminal Science. Tehran: Majd Publications; 2003. (Persian).
15. Dekhoda A. Dekhoda Dictionary. Tehran: University of Tehran Press; 1998.
16. Moein M. Moein Persian Dictionary. Tehran: Amirkabir Publications; 2006. (Persian).
17. Rajabipour M. Social Crime Prevention Strategy (Police-Students Interaction). *Law Enforcement Quarterly*. 2003;5(3):1-40. (Persian).
18. Najafi Aberandabadi A. Crime Prevention and Local Police, Collection of Articles on Crime Prevention, Social Assistance and Crime Prevention. Tehran: Press and Publications Center; 2006. (Persian).
19. Goodarzi M. Study and operation of alternatives to imprisonment with the aim of release from prison. *Journal of Correction and Education*. 2005;43(1):109-51. (Persian).
20. Ashouri M, Najafi Aberandabadi A. Social Defense. Tehran: University of Tehran Press; 2013. (Persian).
21. Tamjidanjeh F. Suspension of Punishment in Iranian and British Criminal Law. MA Dissertation. Tehran Islamic Azad University; 2003. (Persian).
22. Golduzian I. Mahshi Islamic Penal Code. Tehran: Majd Publications; 2011. (Persian).
23. Mohammadi D. Imprisonment and Alternatives to Imprisonment. *Journal of Correction and Education*. 2007;16(1):28-42. (Persian).
24. Najafi Aberandabadi A. Criminology. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 2014. (Persian).

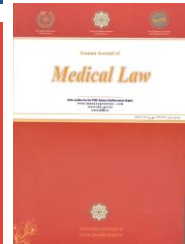


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Alternative Punishments to Imprisonment in Achieving the Goals of Punishments

Rahman Bensaeed¹, Masoud Heidari^{2*}, Mahmoud Malmir³

1. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 28 April 2021

Accepted: 1 September 2021

Published online: 7 March 2022

Keywords:

Alternative Punishments

Imprisonment

Objectives of Punishments

Detention

* Corresponding Author:

Masoud Heidari

Address: Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Postal Code: 81551-39998

Telephone: 31-35002604

Email: masoud_heidari2@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: Punishment is one of the most common tools and manifestations of social reaction to the commission of a criminal act. In criminal law, punishments are chosen by legislators to achieve the goals of the criminal justice system. In the present study, the main goal is to what extent alternatives to imprisonment can achieve the goals pursued in the design of punishments.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Results: Inspired by new perspectives on criminology and criminal science and criminal sociology, the United Nations criminal policy and advanced contemporary legal systems are based on the premise that prison use faces challenges, one of these challenges is the failure to achieve the goals of punishment in imprisonment.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: The punishment of imprisonment has some characteristics and purposes that prevent the commission of a crime and in return has consequences that have a negative impact on the offender and society. Given the disadvantages of imprisonment, alternative punishments are discussed. Lawyers attributed positive features to alternatives to imprisonment, provided they were implemented correctly, accurately, and in principle, which could reduce crime in society; Including meeting punishment goals such as: Correction of the offender, means to adapt to society and to act as a committed citizen in society. Deterrence, both for the offender and for members of society, his assistance and supervision, strengthening the sense of responsibility, increasing the offender's commitment to society, increasing his presence in society, civil society participation in the execution of punishment and characteristics that do not have negative consequences of imprisonment.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Bensaeed R, Heidari M, Malmir M. Alternative Punishments to Imprisonment in Achieving the Goals of Punishments. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.